

رجحان تفریق نمازهای یومیّه

این رساله مقاله‌ای است که حضرت آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی قدس الله سرّه درباره رجحان تفریق صلوات یومیّه بر اساس مبانی حضرت علامه طهرانی - رضوان الله علیه - و بسیاری از عرفاء و علماء جلیل القدر به رشته تحریر درآوردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و الصَّلَاةُ عَلَى خَاتَمِ رُسُلِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

و اللَّعْنَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

بر ارباب معرفت و صاحبان بصیرت مخفی نماند که اهمّ فرائض و اوجِب وظائف، شناخت مبانی دین مبین و اتّباع سنن سیّد مرسلین علیه و علی آله افضل صلوات المصلّین به نحو اتمّ کما هو هو، می باشد و سلوک طریق کمال و وصول به ذرّوه فعلیّت و سداد را گزیری از این ممشای و منهج نمی باشد.

از جمله مواردی که به اتّفاق فریقین بر آن تأکید شده است رعایت اوقات صلوات یومیّه و اداء آنها در وقت مخصوص به خود می باشد. این مسئله قطعاً در زمان رسول اکرم و ائمّه هدی صلوات الله علیهم اجمعین از سنن مؤکّده و معمول بها بوده است و اهل سنت بر این مسأله تأکید و مداومت می نمایند؛ در حالی که مع الأسف نه تنها در بین شیعه متروک و مغفول است بلکه چه بسا منهیّ و مورد انکار و استغراب قرار گرفته، و بدعت شمرده می شود! در حالی که مکتب حقّ تشیّع از همه فریق اولی و احقّ به متابعت از سنن اسلام و انقیاد در برابر احکام و دستورات شرع انور می باشد، تا جایی که این مطلب از طرف اخوان سنت و جماعت به عنوان نقطه انحراف و انصراف از سنت و عمل رسول الله تلقی گشته، موجب تعییر و تنقیص مرام و ممشای پیروان اهل بیت عصمت و طهارت گردیده است؛ و آیه شریفه: **﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾**^۱ اشاره به اهمیّت حیاتی و نیاز مبرم به این طریقه و روش می نماید.

آیات صریحه در متابعت از سنن نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

و همین طور آیه شریفه: **﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾**^۲

^۱ سوره الأحزاب (۳۳) آیه ۲۱. الله شناسی، ج ۱، ص ۳۵۰.

«هر آینه تحقیقاً از برای شما در رسول خدا اسوه و الگوی زیبایی وجود دارد، برای کسی که امید به خدا و روز آخرت دارد و خداوند را زیاد یاد می کند.»

^۲ سوره الأعراف (۷) ذیل آیه ۱۵۶ و آیه ۱۵۷. ترجمه:

«و رحمت من هر چیز را فراگرفته است، لیکن من آن رحمت را به خصوص برای مردمان متقی و پرهیزگار که زکات می دهند می نویسم و مقرر می دارم، و نیز آنان که به آیات ما ایمان می آورند * کسانی که اطاعت و پیروی می کنند از فرستاده و پیامبر درس نخوانده ای که وی را در کتاب آسمانی تورات و انجیل، نزد خودشان نوشته یافته اند؛ که به کارهای معروف و پسندیده آنها

در این آیات به طور اکید و صریح به متابعت از سنن نبی اکرم و اتباع از افعال و منهاج او سخن به میان آمده است.

بدین لحاظ، راقم سطور بر آن شده است تا در خصوص این مسئله که موجب تفرقه و تمایز بین فریقین به ناحق و به طور غیر منطقی و اصولی گردیده است، مقاله‌ای به رشتۀ تحریر درآورد تا موجب تذکر و تنبّه اخلاء روحانی و فضلاء - کثر الله أمثالهم - و آشنایی اخوان مؤمنین نسبت به این سنت مقطوعه و لایتردد در فقه شیعه و عامه گردیده؛ باشد که با تغییر روش در اقامۀ صلوات یومیّه و اداء آن در اوقات مخصوصه خود تقریب به افق‌های مشترک و وحدت در مبانی و احکام متفق بین‌الفریقین حاصل، و بهانه از دست تفرقه‌افکنان و مخربین گرفته شود؛ و من الله التوفیق و علیه التکلان.

را امر می‌کند، و از کارهای منکر و زشت بازشان می‌دارد، و طیبیات و چیزهای خوب و پاک را برایشان حلال می‌کند، و چیزهای خبیث و ناپاک را از ایشان منع می‌نماید، و زنجیرها و غل‌ها و بارهای سنگینی را که بر آنان حمل می‌شده است، از آنان برمی‌دارد. بنابراین کسانی که به او ایمان آورده‌اند، و او را مؤقّر و مکرم و معزز داشته‌اند، و یاری و اعانت نموده‌اند، و از نوری که ما با او فرورستاده‌ایم متابعت کرده‌اند؛ حقّاً و تحقیقاً ایشان‌اند که به فلاح و رستگاری می‌رسند.» (محقق)

طرح مسئله اداء صلوات رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم در کتب اهل سنت و هم در کتب سیره خاصه با اختلافاتی آمده است.

اما در کتب عامه روایات در این مسئله بسیار است و ما فقط به ذکر برخی از آنها اکتفاء می‌کنیم.

احادیثی از عامه راجع به ادای نمازهای پنج‌گانه در اول وقت آن

در سنن ابی داوود وارد است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخُزَاعِيُّ... عَنْ أُمِّ فَرْوَةَ قَالَتْ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: **الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا**.^۱

«از رسول خدا سؤال شد کدام عمل نزد پروردگار افضل است؟ در پاسخ فرمود: «نماز در اول وقت خود.»»

و نیز سعید بن مسیب از ابانقتاده بن ربیع روایت می‌کند که:

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: **قال الله تعالى: إني فرضتُ على أمتك خمسَ صلواتٍ و عهدتُ عندى عهداً أنه من جاء يحافظُ عليهنَّ لوقتهنَّ أدخلته الجنةَ و من لم يحافظُ عليهنَّ فلا عهدَ له عندي**.^۲

«از رسول خدا روایت شده است که خدای متعال خطاب به آن حضرت می‌فرماید:

من پنج نوبت نماز بر امت تو واجب گردانیدم و با خود عهد نمودم که اگر فردی از امت تو بر این پنج نماز در اول وقت خود محافظت و مواظبت نماید او را داخل بهشت بگردانم و کسی که بر این مسئله مواظبت ننماید هیچ تعهد و مسئولیتی را در قبال او نخواهم پذیرفت.»

نظیر این روایات در این کتاب و سایر کتب عامه نیز موجود است و نیازی به ذکر همه آنها نیست،

فقط از باب تأکید به یکی دیگر از آنها اکتفاء می‌شود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الصَّامِتِ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: **يَا أَبَا ذَرٍّ، كَيْفَ أَنْتَ إِذَا كَانَتْ عَلَيْكَ أَمْرَاءُ يُمَيِّتُونَ الصَّلَاةَ؟** أَوْ قَالَ: **يُؤَخِّرُونَ الصَّلَاةَ؟** قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: **صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبَتْهَا فَإِنْ أَدْرَكَتْهَا مَعَهُمْ فَصَلِّهَا فَإِنَّهَا لَكَ نَافِلَةٌ**.^۳

«اباذر می‌گوید: رسول خدا به من فرمود: «ای اباذر، چگونه خواهی بود در وقتی که حاکمان وقت نماز

را بمیرانند یا اینکه به تأخیر اندازند؟» عرض کردم: «شما چه می‌فرمایید؟» حضرت فرمود: «هرگاه وقت

نماز شد آن را در اول وقتش به جای آور، پس اگر دیدی آنان نیز نماز را اقامه کردند به جای نافله با آنان

^۱ سنن ابی داود، ج ۱، باب فی المحافظة علی وقت الصلوات، ص ۱۰۵، ح ۴۲۶.

^۲ همان مصدر، ص ۱۰۶، ح ۴۳۰.

^۳ همان مصدر، باب اذا اخر الامام الصلاة عن الوقت، ص ۱۰۶، ح ۴۳۱.

نیز نماز را اقامه نما!»

واضح است که این خطاب در حال تقیّه است، زیرا هیچ الزامی بر نماز پس از اداء آن نمی‌باشد؛ و یا اینکه ممکن است حتّی در شرایط عادی به جهت رعایت جماعت بوده باشد.

و اما راجع به اوقات صلوات، تمام روایات بر این نکته دلالت دارند که: وقت نماز صبح اوّل فجر صادق، و نماز ظهر هنگام زوال شمس از وسط آسمان، و نماز عصر رسیدن سایه شاخص به اندازه خود او، و نماز مغرب استتار قرص خورشید از افق، و نماز عشاء از بین رفتن حمرة مغربیه در ناحیه مغرب می‌باشد.

روایاتی راجع به اوقات فضیلت صلوات خمسہ

مسلم بن ابراهیم از محمد بن عمرو روایت می‌کند که می‌گوید: از جابر بن عبدالله انصاری کیفیت نمازهای رسول الله صلی الله علیه و آله (و آله) و سلم را سؤال نمودیم، گفت:

كَانَ يُصَلِّي الظُّهْرَ بِالْهَاجِرَةِ، وَالْعَصْرَ وَالشَّمْسُ حَيَّةً، وَالْمَغْرِبَ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ، وَالْعِشَاءَ إِذَا كَثُرَ النَّاسُ عَجَلًا وَإِذَا قَلَّوْا أَسْرًا، وَالصُّبْحَ بَعْلَسًا^۱.

«رسول خدا نماز ظهر را هنگام زوال خورشید به جای می‌آورد، و عصر را در وقت تلاؤ قبل از میل به تیرگی، و مغرب را وقت استتار قرص خورشید، و عشاء را پس از مغرب وقتی که جمعیت در مسجد اجتماع کرده بودند به جای می‌آورد، و وقتی که افراد کم بودند به تأخیر می‌انداخت، و وقت نماز صبح رسول الله آخرین اوقات تاریکی شب یعنی طلوع فجر صادق بوده است.»

و اما راجع به کراهت تأخیر نماز مغرب احنف بن قیس از عباس عموی رسول خدا روایت می‌کند:

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَتَنظَرُوا بِالْمَغْرِبِ اشْتِيَاكَ النَّجْمِ^۲.
«رسول خدا فرمود: پیوسته امر امت من بر خیر و صلاح خواهد بود تا وقتی که برای اداء نماز مغرب ستارگان را در آسمان مشاهده ننمایند.»

و راجع به وقت نماز عشاء نعمان بن بشیر روایت می‌کند:

وَاللَّهِ إِنِّي لِأَعْلَمُ النَّاسَ بِوَقْتِ هَذِهِ الصَّلَاةِ يَعْنِي صَلَاةَ الْعِشَاءِ. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّيهَا لِسُقُوطِ الْقَمَرِ لِثَالِثِهِ^۳.

«قسم به خدا من از تمامی این مردم به وقت فضیلت نماز عشاء آگاه‌ترم! رسول خدا پیوسته نماز عشاء را پس از گذشت ثلث از شب به جای می‌آورد.»

^۱ همان مصدر، باب فی وقت صلاة النبی صلی الله علیه و آله (و آله) و سلم و کیف کان یصلیها، ص ۹۹، ح ۳۹۷.

^۲ سنن دارمی، باب کراهیه وقت المغرب، ج ۱، ص ۲۷۵.

^۳ همان مصدر، باب وقت العشاء.

روایاتی راجع به فضیلت تأخیر نماز عشاء از زوال حمرة مغربیه

از بعضی روایات استفاده می شود حتی تأخیر نماز عشاء از زوال حمرة مغربیه نیز افضل است، چنانچه

در روایت ابو عامر اشعری از ابو موسی آمده است:

قال: كُنْتُ أَنَا وَأَصْحَابِي الَّذِينَ قَدِمُوا مَعِيَ فِي السَّفِينَةِ نَزُولًا فِي بَقِيعِ بَطْحَانَ وَرَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ بِالْمَدِينَةِ فَكَانَ يَتَنَاوَبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ عِنْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ كُلَّ لَيْلَةٍ نَفَرًا مِنْهُمْ.

قال أبو موسى: فَوَافَقْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ أَنَا وَأَصْحَابِي وَ لَهُ بَعْضُ الشَّغْلِ فِي أَمْرِهِ حَتَّى أَعْتَمَ بِالصَّلَاةِ حَتَّى ابْهَارَ اللَّيْلِ،^١ ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ فَصَلَّى بِهِمْ؛ فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ: عَلَى رِسَالِكُمْ^٢ أَعَلَّمَكُمْ وَأَبشَرُوا أَنَّ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ لَيْسَ مِنَ النَّاسِ أَحَدٌ يُصَلِّي هَذِهِ السَّاعَةَ غَيْرَكُمْ، أَوْ قَالَ مَا صَلَّى هَذِهِ السَّاعَةَ أَحَدٌ غَيْرَكُمْ.

قال أبو موسى: فَرَجَعْنَا فَرَحِينَ بِمَا سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ.

از این روایت استفاده می شود نماز عشاء رسول خدا حتی نزدیک به انتصاف لیل بوده است.

و نیز روایات دیگری از جمله روایت «أبابرزه» دلالت بر تأخیر نماز عشاء رسول خدا دارد؛ أبابرزه

گوید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (وآله) وَسَلَّمَ اللَّهُ لَا يُبَالِي بِبَعْضِ تَأْخِيرِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يُحِبُّ النَّوْمَ قَبْلَهَا وَ لَا الْحَدِيثَ بَعْدَهَا. قَالَ شُعْبَةُ: ثُمَّ لَقِيْتُهُ مَرَّةً أُخْرَى فَقَالَ: أَوْ ثَلْثُ اللَّيْلِ.

این روایت دلالت دارد که معمولاً نماز رسول خدا پس از گذشتن ثلث از شب انجام می پذیرفته است.

و در جمله این موارد، ذکری از جمع بین نماز ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء توسط رسول خدا

نشده است؛ بلی در بعضی از روایات آمده که وقتی مأمومین در مسجد زیاد بودند رسول خدا نماز عشاء را

زودتر می خواندند، نه اینکه بین آن و نماز مغرب جمع نمایند.

^١ لسان العرب: ابهار اللیل و ابهیرارا اذا انتصف و قيل تراکت ظلمته.

^٢ شرح مسلم، ج ٥، ص ١٤١: فقولہ رسلکم بکسر الراء و فتحها لغتان، الکسر أفصح و أشهر أى تأنوا و قوله «أن من نعمة الله» معمول لقله أعلّمکم.

^٣ صحیح مسلم، ج ٢، باب وقت العشاء و تأخیرها، ص ١١٧.

^٤ همان مصدر، ج ٢، باب کراهیة تأخیر الصلاة عن وقتها، ص ١٢٠. ترجمه:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله) و سلم باکی نداشت که نماز عشاء کمی و تا نیمه شب به تأخیر افتد و دوست نداشت کسی قبل از آن بخوابد و نه پس از آن سخن بگوید. شعبه گوید: پس از مدتی دوباره سیار را ملاقات کردم و این بار او با تردید گفت: یا تا یکسوم شب.» (محقق)

سنت و سیره رسول خدا بر تفرقه و تقسیم نمازهای یومیّه به پنج وقت فضیلت

از مجموعه روایات و تقریر سیره عامّه استفاده می‌شود که سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اداء نمازهای یومیّه بر تفرقه و تقسیم آنها به پنج وقت فضیلت خود بوده است و اگر گاهی جمع بین آنها می‌نمودند به ندرت و به واسطه عروض شرایط خاصی بوده است.

و اما تقریر مطلب از طریق روایات اهل بیت علیهم السلام بدین صورت است:

محمد بن یحیی از ابي بصير از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

مَنْ صَلَّى فِي غَيْرِ وَقْتٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ^۱.

«کسی که در غیر وقت نماز، آن را به جای آورد پذیرفته نخواهد شد.»

این روایت به وضوح دلالت دارد که نماز در غیر وقت فضیلت خود، مورد رضای الهی نیست؛ زیرا کاملاً واضح است که مقصود امام علیه السلام نماز قبل از حلول وقت نیست، چون این مطلب از ضروری‌ترین مسائل است و احتیاجی به تذکر و تنبّه ندارد؛ و اطلاق روایت، هر دو مورد تقدیم نماز و تأخیر آن را از وقت فضیلت شامل می‌شود.

^۱ وسائل الشیعة، ج ۳، ابواب المواقیت، باب ۱۳، ص ۱۲۳، ح ۱۰.

احادیثی از طریق اهل بیت علیهم السلام در باب اداء صلوات خمسه در اول وقت آن

نیز روایتی در عیون الاخبار از امام رضا از پدرانشان از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که فرمودند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْحَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَادْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ.^۱
«رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: پیوسته شیطان از مؤمنی که نمازهای خود را در اوقات مخصوصه خود به جای آورد برکنار است، پس اگر در انجام آنها کوتاهی ورزید به او نزدیک شده و او را به گناهان کبیره وارد می‌نماید.»

روایت دیگر از شیخ طوسی از حسین بن سعید ... از امام صادق علیه السلام است که فرمود:
لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ وَأَوَّلُ الْوَقْتَيْنِ أَفْضَلُهُمَا وَلَا يَنْبَغِي تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمَدًا وَلَكِنَّهُ وَقْتُ مَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ سَهَا أَوْ نَامَ وَكَأَنَّ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا إِلَّا مِنْ عُذْرٍ أَوْ عِلَّةٍ.^۲
«هر نمازی دو وقت دارد و بهترین از آن دو، وقت اول است و سزاوار نیست تأخیر نماز عمدًا؛ و لکن خدای متعال برای افرادی که کار لازمی برایشان پیش آمده یا فراموش کرده‌اند یا سهو نموده‌اند و یا خواب آنان را باز داشته است و سعی داده تا بتوانند آن را انجام دهند؛ و کسی نمی‌تواند آخر وقت را در نظر آورد و نماز را در آخر وقت بخواند مگر به جهت عذری و یا گرفتاری و ناراحتی که مانع شود.»
و اما بعضی از روایات که دلالت بر دخول وقت هر دو نماز را در اول زوال و یا غروب خورشید دارند صرفاً به جهت کفایت و اجزاء نماز است، نه افضلیت و رجحان نماز دوم؛ مثل:

روایت صدوق

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الْمَغْرِبُ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ.^۳
«امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگام زوال خورشید وقت نماز ظهر و عصر است و هنگام غروب آن وقت نماز مغرب و عشاء است.»

بنابراین این روایات منافاتی با روایاتی که دلالت بر فضیلت نماز در اول وقت هر کدام به خصوص است ندارد.

^۱ همان مصدر، باب ۱، ص ۸۱، ح ۱۴.

^۲ همان مصدر، باب ۳، ص ۸۷، ح ۴.

^۳ همان مصدر، باب ۴، ص ۹۱، ح ۱.

ترجیح اقامه نماز در اول وقت، نسبت به وقت مشترک

بناءً علی هذا طبق روایات و سنن مأثوره از کتب اهل سنت و نیز احادیث وارده از ائمه معصومین علیهم السلام شکی باقی نمی ماند خواندن نماز در اول وقت هر کدام قطعاً افضل از وقت مشترک بین آن دو می باشد، و جمیع فقهاء - رضوان الله علیهم - بر این مطلب در کتب خود اقرار و اعتراف نموده اند.

بلی در صورت اداء آن در وقت مشترک مجزی و کفایت از وجوب خواهد کرد، لیکن مسئله اینجاست چرا و به چه علت این سنت مسلمه از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در طول تاریخ حیات ائمه معصومین علیهم السلام از میان جماعت شیعه رخت بر بسته و به کلی نسیاً منسیاً گشته به نحوی که اگر فردی بخواهد به این سنت عمل کند فعل او خلاف سیره مستمره و عادت متعارفه تلقی گشته و چه بسا مورد اتهام و تاسی به اهل سنت و جماعت واقع گردد؟! ولی در میان عامه به طور متقن و محکم رائج و دارج

^۱ مهر فروزان، ص ۹۱:

«یکی دیگر از مسائل و جریاناتی که موجب شد بسیاری از علمای طهران با ایشان [= مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه] به مخالفت برخیزند، تفریق بین صلاتین ظهر و عصر در ماه مبارک رمضان بود.

در روایات مستفیضه، بلکه متواتره وارد است که مستحب است بین صلوات یومیّه تفریق انداخت؛ و هر نمازی را در وقت مختصّ به خود و هنگام فضیلت آن به جای آورد. و جمع بین صلوات گرچه در بعضی از روایات آمده است، ولی صرفاً دالّ بر مشروعیت آن است، نه استحسان و فضیلت. و متأسفانه امروزه قاطبه شیعه عمل به آن را متروک، و خود را از این فضیلت عظمی محروم نموده اند؛ در مقابل عامه و اهل سنت که اکیداً آن را رعایت می نمایند و هر نمازی را در وقت فضیلت خود به جای می آورند، و همواره بر شیعه در کیفیت انجام فرائض معترض می باشند و حق هم در این مورد با آنهاست؛ گرچه در قول به وجوب افتراق راه خطا پیموده اند و جواز جمع در نزد شیعه مسلم می باشد.

ایشان [= مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه] در یکی از سنوات بعد از اقامه فریضه ظهر، چند دقیقه ای به بیان مسائل شرعیّه پرداخته، آن گاه خود مباشرتاً به عطف می پرداختند. منبر ایشان بیش از یک ساعت به طول می انجامید. آن گاه از منبر پایین آمده و نماز عصر را به جماعت به جای می آوردند. و چون این روش مخالف با طریقه ائمه جماعات بود، لذا کم کم زمزمه هایی در مخالفت با این سنت سنیه و دستور اکید اسلامی برخاست.

ایشان می فرمودند:

روزی به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی سلام الله علیه مشرف شده بودم. پس از اداء نماز تحیت، یکی از معممین آمد و پهلوی من نشست و گفت: «آقا شنیده ام شما بین نماز ظهر و عصر تفرقه می اندازید؟» گفتم: «بله!» گفت: «آقا این عمل بدعت است.» گفتم: «آیا شما سواد فارسی دارید؟!» آن معمم بسیار ناراحت شد و گفت: «این چه سؤالی است؟!» گفتم: «کتاب جامع عباسی شیخ بهایی را بردارید و مطالعه کنید؛ در آنجا این مسئله را متعرض شده اند!»*

عجبا از این همه جهالت، که سنت اکیده رسول خدا و ائمه هدی را بدعت و ضلالت می شمردند!

می‌باشد، و خود این مسئله موجب طعن و ایراد بر مذهب و مکتب حقّ اهل بیت علیهم السّلام گردد؟! آیا نباید برای این مسئله فکر و چاره‌ای اندیشید و سنن متداوله معمولهٔ بها در شیعه منطبق بر موازین حقّه و منزلهٔ من عند الله و معمولهٔ نزد اهل بیت عصمت و لواداران شریعت محمدیه قرار گیرد؟

امید است به لطف و عنایت پروردگار توفیق قیام به سنن قطعیه و تاسی به منهج و ممشای لواداران مکتب تشیع شامل همهٔ شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السّلام گردد. آمین.

جمعه ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۲۷ قم المقدسه

سید محمد محسن حسینی طهرانی^۱

* جامع عباسی، ص ۱۱۵:

«و تأخیر نماز اوّل وقت به‌غایت مکروه است، مگر در چند جا که تأخیر نماز از اوّل وقت سنّت است؛ و از آن جمله دوازده جا که مشهورتر است مذکور می‌سازیم:

اول: تأخیر نماز خفتن [= عشاء] تا وقتی که سرخی مغرب برطرف شود؛ و بعضی از مجتهدین این تأخیر را واجب می‌دانند.

دوم: تأخیر نماز ظهر در بلادی که هوا به‌غایت گرم می‌شود تا وقتی که گرمی هوا کمتر شود.

سوم: تأخیر نماز عصر تا وقتی که سایه که بعد از زوال حادث شده، مساوی شاخص شود...»

^۱ مطلع انوار، ج ۱، ص ۸۷، تعلیقه.